



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ
گرایش ایران دوره اسلامی

بررسی مسئله جانشینی در دوره زوال ایلخانان (۷۵۶-۷۳۶ هـ.ق)

استاد راهنما:

دکتر فریدون الهیاری

استاد مشاور:

دکتر حسین میرجعفری

پژوهشگر:

اسماعیل سمیعی شیردره

شهریور ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی تاریخ گرایش ایران اسلامی آقای

اسماعیل سمیعی شیردره

بررسی مسئله جانشینی در دوره زوال ایلخانان

(۷۵۶-۷۳۶هـ.ق)

در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۷ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه **خوب** به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر فریدون الهیاری با مرتبه ی علمی دانشیار امضاء

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر حسین میرجعفری با مرتبه ی علمی دانشیار امضاء

۳- استاد داور داخل گروه دکتر مرتضی نورانی با مرتبه ی علمی دانشیار امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر ناصر جدیدی با مرتبه ی علمی استادیار امضاء

امضای مدیر گروه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«مَنْتِ خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیاتست و چون بر می‌آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکر واجب از دست و زبان که برآید
کز عهده شکرش به در آید»
خانواده عزیزم در تمام مراحل تحصیلی‌ام همواره پشتیبانی من بودند و حمایتشان از بنده را آنی دریغ ننمودند. به خاطر زندگی‌ام مدیونشان هستم و ایشان را سپاس می‌گویم. برای آن‌ها آرزوی سلامتی، بهروزی و کامیابی دارم. امیدوارم همیشه زندگی، مهرشان بر سر و جانم سایه افکند.

جناب آقای دکتر فریدون الهیاری، همواره بیش از یک استاد راهنما هادی و حامی‌ام بودند و تلخی همه خامی‌ها و نبودن‌هایم را با پختگی‌ها و بودن‌های بزرگوارانه‌شان شیرین ساختند. ایشان همواره با روی گشاده پذیرا و راهنمای من و کاستی‌های علمی‌ام بودند. در طول تحصیل و به‌ویژه نگارش این اوراق، از راهنمایی‌های دقیق مؤثرشان بهره‌ها بردم. از ایشان فروتنانه تشکر می‌کنم و از خداوند متعال برایشان پیروزی و شادی خواستارم. مایه مباهات بنده است که در محضر استاد فرزانه گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، جناب آقای دکتر میرجعفری، تلمذ نمودم. مشاوره‌های مهربانانه و ظریف ایشان برگ افتخاری است در کارنامه علمی و پژوهشی بنده. از ایشان تشکر می‌کنم و از خداوند منان برای ایشان سلامتی و بهروزی خواستارم.
بر خود واجب می‌دانم از استادان ارجمند، جناب آقای دکتر نورائی و جناب آقای دکتر جدیدی که داوری این پژوهش را بر عهده داشتند سپاسگذاری کنم.

رفیق شفیق و درست پیمانم جناب آقای پیمان امیری، در ایام زندگی و تحصیلاتم، لحظه‌ای تنه‌ایم نگذاشت و در روزهای سرد زندگی، دست‌هایم را در دست‌های گرمش گرفت. شرح مهربانی‌ها و نگرانی‌هایم در این اوراق نمی‌گنجد، تشکر ویژه خود را نثار او می‌کنم و سلامتی و خوشبختی‌اش را از یزدان پاک خواستارم.

از دوست و یار صمیمی‌ام، شه‌ریار شه‌ریاری نژاد، قدردانی ویژه می‌نمایم، او در روزهای نگارش پایان‌نامه مهربانانه از من حمایت کرد. خدای عالم او و خانواده محترم‌ش را سلامت بدارد.

پژوهش حاضر با کمک‌ها و همدلی دوستانی عزیز و دوست داشتنی به ثمر نشست؛ «دوستانی بهتر از آب روان». با نگارش نام ایشان مهرشان را در این اوراق ثبت می‌کنم؛ آقایان: مهدی باقری، اصغر شهبازی، سید محمد سیدی، عبدالله علی‌نژاد، ابوطالب خزائی، علی محمد خدایی‌فر، علیرضا رحیمی و ابراهیم سالمی. ایشان را سپاس می‌گویم.

از سرکار خانم خدیجه امیری که در تایپ این پایان‌نامه بسیار یاریم دادند قدردانی می‌کنم و همچنین از سرکار خانم زندی که در دوران تحصیل و ایام نگارش این پایان‌نامه یاری‌ام نمودند و سرکار خانم شفیعی که ویرایش این کار را با دقت و وسواس زیادی انجام دادند، تشکر می‌نمایم. پروردگار یارشان باد.

با احترام و فروتنی

به

پدرم و مادرم

چکیده

حکومت ایلخانی با مرگ آخرین ایلخان مقتدر، ابوسعید بهادرخان در سال ۷۳۶ هـ.ق (۱۳۳۵م) وارد مرحله تازه ای گردید که از آن با نام دوره زوال ایلخانان یاد می کنند. ابوسعید فرزند ذکوری نداشت که جانشینش گردد، در نتیجه در اوضاع آشفته پس از وفات او مدعیان جانشینی، برای کسب قدرت با هم به رقابت پرداختند. بازیگران اصلی عرصه قدرت در این سال ها امرای نظامی و رؤسای قبایل بودند که مستقلانه در گوشه و کنار، مشغول حکومت بودند. این امرای برای کسب مشروعیت و افزایش قدرت نظامی خود شاهزاده ای از خاندان هلاکو را به عنوان ایلخان اعلام کرده و به اصطلاح در رکاب او علیه دیگر رقبا شمشیر می زدند. نبردهای جانشینی پس از وفات ابوسعید، تکرار تکاپوهای سیاسی امرای نظامی و هم داستانی آن ها با یک شاهزاده ایلخانی برای استفاده از مشروعیت او است. از سال ۷۳۶ هـ.ق (۱۳۳۵م) تا حدوداً بیست سال بعد که آخرین نشانه ها از سکه های انوشیروان عادل، آخرین ایلخان دست نشانده، در دست است، این شکل از اتحاد به کرات اتفاق افتاد. به نظر می رسد می توان شکل مذکور را به عنوان یک الگو در بررسی مسئله جانشینی در دوره زوال ایلخانان به کار برد. نگارنده بر آن است تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای به بررسی مسئله جانشینی در دوره زمانی ۷۵۶-۷۳۶ هـ.ق (۱۳۵۵-۱۳۳۵م) پردازد.

واژگان کلیدی: ایلخانان، مسأله جانشینی، امرای نظامی، چوپانیان، جلایریان .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
د	پیشگفتار
	فصل اول: کلیات
۱	۱-۱- تبیین مسئله پژوهشی و اهمیت آن
۲	۱-۲- اهداف
۲	۱-۳- پرسش‌ها و فرضیات
۲	۱-۳-۱- پرسش‌ها
۲	۱-۳-۲- فرضیات
۳	۱-۴- پیشینه پژوهش
۴	۱-۵- روش پژوهش
۴	۱-۶- معرفی منابع
۵	۱-۶-۱- تاریخ جهانگشای جوینی
۶	۱-۶-۲- جامع التواریخ
۷	۱-۶-۳- تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار (تاریخ و صاف)
۸	۱-۶-۴- مطلع السعدین و مجمع البحرین
۹	۱-۶-۵- ذیل جامع التواریخ رشیدی
۱۰	۱-۶-۶- تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفا
۱۱	۱-۶-۷- حیب السیر فی اخبار افراد بشر
	فصل دوم: مسأله جانشینی در دوره خوانین بزرگ
۱۲	۱-۲- قدرت گیری چنگیزخان
۱۳	۲-۲- سنت جانشینی مغولان

عنوان	صفحه
۳-۲- قوريلتای سال ۶۰۲هـ.ق.....	۱۵
۴-۲- عوامل مؤثر در به قدرت رسیدن چنگیز خان.....	۱۶
۵-۲- حملات مغول به ایران.....	۱۷
۶-۲- اولوس چهارگانه.....	۱۷
۷-۲- مرگ جوچی پسر ارشد چنگیز خان.....	۱۸
۸-۲- جانشینی چنگیز خان.....	۱۹
۸-۲- ۱- اختلاف خاندان چنگیز در جانشینی اوگتای.....	۲۱
۸-۲- ۲- مرگ گیوک و روی کار آمدن منگو قآن.....	۲۲

فصل سوم: حکومت ایلخانی در ایران و روند تغییرات در سنت‌های جانشینی

۱-۳- تشکیل حکومت ایلخانی در ایران.....	۲۵
۲-۳- اباقا.....	۲۷
۳-۳- احمد تکودار.....	۲۷
۴-۳- ارغون.....	۲۸
۵-۳- گیخاتو.....	۲۹
۶-۳- تحول در مسأله جانشینی با روی کار آمدن ایلخانان مسلمان.....	۳۰
۷-۳- غازان.....	۳۱
۸-۳- العجایتو.....	۳۲
۹-۳- ابوسعید.....	۳۳
۱۰-۳- وفات ابوسعید و آغاز دوره زوال ایلخانان.....	۳۴
۱۰-۳- ۱- سلطنت ارپاگاون.....	۳۵

عنوان	صفحه
۳-۱۰-۲- سلطنت موسی خان.....	۳۸
۳-۱۰-۳- محمدخان.....	۴۰
فصل چهارم: کشمکش امرای نظامی در واپسین سال های حکومت ایلخانی	
۴-۱- ورود امرای خراسان به نبردهای جانشینی.....	۴۲
۴-۲- ورود امیر شیخ حسن چوپانی به عرصه و قدرت گیری چوپانیان.....	۴۵
۴-۳- به قدرت رسیدن شهزاده ساتی بیگ.....	۴۷
۴-۴- جهان تیمور (ذی الحججه ۷۳۹ تا ذی الحججه ۷۴۰ هـ ق) (۱۳۳۸-۱۳۳۹ م).....	۵۰
۴-۵- سلیمان خان (اوایل ۷۴۱ تا ۷۴۵ هـ ق) (۱۳۴۵-۱۳۴۰ م).....	۵۰
۴-۶- قتل امیر شیخ حسن چوپانی.....	۵۴
۴-۷- ملک اشرف چوپانی.....	۵۶
۴-۸- سرنوشت طغایتمور خان.....	۵۸
نتیجه گیری.....	۵۹
پی نوشت ها.....	۶۲
منابع.....	۶۳

پیشگفتار

تموچین، صرف نظر از روایت های تاریخ سری، که به قدرت رسیدن وی را نتیجه اراده «آسمان آبی جاویدان» بیان می کند، به واسطه اصل و نسب و استعداد نظامی، وارد طبقه حاکمه «نویان ها» شد و لقب چنگیز خان را دریافت کرد. وی در سال ۶۱۶ هـ. ق (۱۲۱۹م) حملاتش به ایران را آغاز کرد. تا سال ۶۵۶ هـ. ق (۱۲۵۸م) که هلاکو پسر تولوی و نوه چنگیز، حکومت ایلخانی را در ایران تشکیل داد حکومت مستقل و متمرکزی در ایران وجود نداشت. با تشکیل حکومت ایلخانی هلاکو توانست به کمک دیوانسالاران ایرانی بر ایران ویران شده سامانی نسبی دهد. با مرگ منگو قاآن و سپس هلاکو و جلوس اباقا، ارتباط قلمرو ایلخانی با دربار مرکزی مغولان کمتر از گذشته شد؛ ایلخانان ایران را به همین واسطه سلسله مستقلی محسوب می کنند. به تدریج و با نفوذ بیشتر عناصر ایرانی، برخی از جلوه های زندگی ایلخانان تغییر یافت؛ مسلمان شدن احمد تکودار و سپس غازان نشانه تغییرات بنیادین در نگرش مغولان به حکومت است. با روی کار آمدن غازان مرحله جدیدی از دوره ایلخانی آغاز گردید. ارتباط با دربار مغولستان در زمان غازان خان تقریباً قطع شد و ارتباطات بعدی کاملاً جنبه تشریفاتی به خود گرفت. حکومت ایلخانان با مرگ ابوسعید بهادرخان در سال ۷۳۶ هـ. ق (۱۳۳۵م) وارد مرحله ای دیگر شد که از آن با عنوان دوره زوال ایلخانان یاد می کنند. در این دوره بیست ساله مسئله اصلی حاکم بر حکومت ایلخانی، مسأله جانشینی بود. در پژوهش پیش رو به بررسی این مسأله پرداخته خواهد شد. نگارنده بر آن است تا با استفاده از منابع اصلی، نبردهای جانشینی پس از وفات ابوسعید را بررسی کرده تا در خلال آن بتواند مسأله جانشینی این دوره بیست ساله را صورت بندی کند. در بررسی نبردهای جانشینی دوره ی زوال، ورود امرا و خاتونان و شاهزادگان متعدد به عرصه رقابت جانشینی و حضور شخصیت های گوناگون در سطوح مختلف رقابت، یافتن الگو و صورت بندی یک مدل را دشوار می سازد. از سوی دیگر ناپایداری همین افراد و حذف آن ها توسط رقبا، مطالعه و بررسی مسأله جانشینی را با مشکلات عمده رو به رو می سازد.

در مورد منابع تاریخی دوره زمانی مورد بحث لازم به ذکر است که، به علت نبودن حکومت مرکزی قدرت مند و وجود ایلخانان دست نشانده موازی از وفات ابوسعید تا تشکیل حکومت تیموری، یک دوره ی خلاء در تاریخ نگاری مشاهده می شود. با توجه به مطالب بیان شده، پژوهش در این دوره تاریخی با مشکل عمده کمبود منبع مواجه است. نزدیک ترین منبع اصلی جامع و درواقع تنها منبع نزدیک به این دوره کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین عبدالرزاق سمرقندی است که منبع اصلی برای نگارش این پژوهش محسوب می گردد. در کنار آن، تاریخ های حکومت های محلی مانند آل مظفر و آل جلایر می توانند حاوی نکات ارزشمندی برای صورت بندی مسأله

جانشینی ایلخانان پس از ابوسعید باشند. علاوه بر کتاب های ذکر شده، منابع اصلی تاریخ مغول همچون تاریخ جهانگشای جوینی، جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله و کتاب تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار معروف به تاریخ وصاف اثر شهاب الدین شیرازی مشهور به وصاف الحضرة در بخش های مربوط به مسأله جانشینی در دوره های خانان بزرگ و ایلخانان تا ابوسعید بسیار مورد رجوع بوده اند.

نگارنده، پژوهش حاضر را با استفاده از منابع اصلی نگاشته و فقط در صورت لزوم به تحقیقات جدید مراجعه کرده است؛ البته کتاب تاریخ مغول مرحوم عباس اقبال آشتیانی به عنوان پایه بررسی نبردهای جانشینی پس از وفات ابوسعید قرار گرفته است، بنابراین جدای از تحقیقات جدید به آن نگریسته شده است.

فصل اول این پژوهش، به ارائه کلیات پرداخته است و در فصل دوم با نگاهی گذرا به تاریخ سیاسی مغولان مسأله جانشینی در دوره خانان بزرگ و ایلخانان ایران تا روی کار آمدن غازان مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم به بررسی مسأله جانشینی در دوره ی ایلخانان مسلمان تا ابوسعید بهادر خان و مدتی پس از آن پرداخته؛ و ورود امرای خراسان به عرصه رقابت های جانشینی و روی کار آوردن طغاتی مور، در فصل چهارم مورد بررسی واقع شده است.

فصل اول:

کلیات

۱-۱ - تبیین مسئله پژوهشی و اهمیت آن

پس از پایان حملات مغولان به ایران، هلاکو خان (۶۶۳-۶۵۱ هـ.ق) (۱۲۶۵-۱۲۵۳م) سلسله ایلخانی را در ایران تأسیس نمود. هلاکو خان که آخرین سردار فاتح مغول در ایران بود، بعد از نومیادی از نشستن بر تختگاه قراقروم، خود پایه گذار سلسله ای در ایران شد. سلسله ایلخانان بزرگ در سال ۷۳۶ هـ.ق (۱۳۳۵م) با مرگ آخرین ایلخان مقتدر ابوسعید (۷۳۶-۷۱۶ هـ.ق) (۱۳۳۵-۱۳۱۶م) به پایان رسید. پس از مرگ ابوسعید، ناگهان خلأیی در دولت و حکومت ایجاد گردید چرا که او جانشینی برای ایلخانی پس از خود برجای نگذاشته بود. در این اوضاع آشفته، افراد و گروه های متعددی برای رسیدن به قدرت با یکدیگر به رقابت پرداختند. بازیگران اصلی عرصه ی قدرت در این دوره - صرفنظر از گروه هایی که به واسطه پیوندهای دینی و ملی پا به عرصه سیاست گذاردند همچون سرداران - دو دسته را شامل می شدند؛ اول امرای قدرتمند و رؤسای قبایل، که هر یک در گوشه ای از کشور پهناور ایران مستقلانه به حکمرانی می پرداختند، و گروه دیگر، بازماندگان و شاهزادگان خاندان هلاکویی بودند که اکنون خود را وارثان اصلی سلسله ایلخانی به شمار می آوردند. در نبردهای جانشینی که در این اوضاع آشفته صورت گرفت، امرا و حکام محلی با شاهزادگان مغول هم داستان می شدند. از سال ۷۳۶ هـ.ق (۱۳۳۵م) (وفات ابوسعید) تا حدود بیست سال بعد، که آخرین نشانه های حکومت انوشیروان عادل در دست است، این مدل از اتحاد به کرات دیده می شود. به نظر می رسد مدل مذکور، به عنوان یک الگو در بررسی مسئله جانشینی در دوره زوال ایلخانان می تواند مورد توجه قرار گیرد. مسئله اصلی، چرایی فرآیند شکل گیری و سرنوشت این اتحادهای موقتی است. در حقیقت موضوع پژوهش

بررسی تحولات مسئله جانشینی در دوره زمانی ۷۵۶-۷۳۶ ه.ق می باشد که آن را با عنوان دوره زوال ایلخانان شناسایی می کنند.

۱-۲- اهداف

- بررسی و تبیین فرایند مسئله جانشینی در دوره زوال ایلخانان (۷۵۶-۷۳۶ ه.ق). (۱۳۵۵-۱۳۳۵م)
- تبیین الگوی جانشینی در دوره بیست ساله پس از مرگ ابوسعید تا آخرین سال های حکومت انوشیروان عادل (۷۵۶ ه.ق) (۱۳۵۵م).

۱-۳- پرسش ها و فرضیات

۱-۳-۱- پرسش ها

- فرایند مسئله جانشینی در دوره زوال ایلخانان چگونه بوده است؟
- الزامات امرای قدرتمند برای پیوستن به شاهزادگان ایلخانی چه بوده است؟
- چرا شاهزادگان ایلخانی با امرای قدرتمند متحد می شدند؟

۱-۳-۲- فرضیات

- تحولات و نبردهای جانشینی در دوره زوال ایلخانان تابع الگویی خاص بوده است.
- شاهزادگان مغولی در جهت سلطه نظامی با امیران قدرتمند همراه می شدند.
- امرای رسیدن به استقلال و تشکیل یک حکومت مستقل از نام و عنوان شاهزادگان مغولی استفاده کردند.
- امیران برای رسیدن به مشروعیت و مقبولیت در میان نظامیان مغول با شاهزادگان ایلخانی متحد می گردیدند.

۱-۴- پیشینه پژوهش

درباره مسأله جانشینی در دوره زوال ایلخانان پژوهش مستقلی مشاهده نگردید. آثاری که در ذیل می‌آید، زوایایی از این مسأله را روشن کرده‌اند. در حقیقت هر کدام از این پژوهش‌ها حاوی نکات مهمی در نگارش پژوهش حاضر می‌باشند.

- نیلگون دالکسن^۱، (۲۰۰۷)، «کارکردهای جنسیتی و موقعیت زنان در آسیای میانه و آناتولی بین قرن های سیزدهم تا شانزدهم» این پژوهش پایان نامه دکترای نیلگون دالکسن است؛ وی در این پژوهش به بررسی نقش های کارکردی زنان در آسیای میانه و آناتولی در قرون سیزدهم تا شانزدهم می‌پردازد. او با محور قرار دادن موقعیت زنان در یاسا و فقه اسلامی و تنش‌ها و چالش‌های میان آن‌ها، تاریخ ایران، آناتولی و آسیای میانه را در فاصله میان قرون سیزدهم تا شانزدهم مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش پنجم پایان‌نامه مذکور، مربوط به تاریخ ایلخانان و موقعیت زنان در این دوره با توجه به نقش‌ها و موقعیت‌های تعریف شده در یاسا و فقه اسلامی می‌باشد؛ وی ضمن روایت و تحلیل وقایع بعد از مرگ ابوسعید، موقعیت و نقش‌های سیاسی بغداد خاتون، دلشاد خاتون و ساتی بیگ را مورد بررسی قرار می‌دهد.
- «بحث در آثار و افکار و احوال حافظ» اثر قاسم غنی که در سه مقاله یا مجلد تهیه شده است؛ مجلد اول این کتاب با نام «تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم» می‌باشد که تاریخ ایران و منطقه فارس و کرمان و مناطق جنوبی ایران، در قرن هشتم و با دوران معاصر زندگی خواجه حافظ شیرازی را بررسی می‌کند. غنی در این کتاب بخش‌های زیادی از نبردهای جانشینی پس از مرگ ابوسعید را با استفاده از منابع اصلی به خوبی روایت و تحلیل می‌نماید.
- «تاریخ تحولات ایران در عصر ایلخانی بعد از مرگ ابوسعید بهادر خان تا پایان دوره ایلخانی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد سمیه ضیایی چمگردانی در دانشگاه آزاد نجف آباد، ضیایی در این پژوهش نبردهای جانشینی پس از مرگ ابوسعید را مورد بررسی قرار داده است.
- «تاریخ آل جلایر» نوشته شیرین بیانی، این کتاب پژوهشی جامع و مفصل در تاریخ آل جلایر است. در کتاب به اوضاع سیاسی، اجتماعی، تشکیلات اداری، شهرها و هنر و ادبیات دوره جلایریان پرداخته شده

¹Dalkesen

است. قسمتی از کتاب که به اوضاع سیاسی دوره شیخ حسن بزرگ می پردازد با موضوع پژوهش حاضر مرتبط می باشد. در ذیل این فصل، نویسنده مناسبات و تحولات سیاسی دوره زوال ایلخانان و نبردهای جانشینی این دوره را با محوریت شیخ حسن بزرگ گزارش می دهد.

- « **چوپانیان در تاریخ ایلخانان یا تاریخ آل چوپان** »، نوشته ابوالفضل نبئی؛ نویسنده در این کتاب از ابتدای کار چوپانیان تا وفات ملک اشرف را مورد بررسی قرار می دهد. قسمت های عمده ی کتاب را، وقایع دوران امیر شیخ حسن کوچک تشکیل می دهد که از شخصیت های اصلی نبردهای جانشینی در دوره مورد بحث پژوهش حاضر می باشد.

- « **سقوط امیر چوپان و زوال حکومت ایلخانی ۳۷-۱۳۲۷م (۷۳۷-۷۲۷هـ.ق): یک دهه کشمکش در ایران عصر مغول** » اثر چارلز ملویل^۲، ملویل در مقدمه کتاب خود به این نکته می پردازد که قصد بررسی همه جانبه مسأله سقوط ایلخانان را ندارد؛ وی در این کتاب به بررسی تأثیر قتل امیر چوپان در ضعف و آشفتگی و نهایتاً سقوط حکومت ایلخانی می پردازد و با همین رویکرد، نقش و اهمیت امرا و اشراف مغول را در تکاپوهای کسب قدرت پس از مرگ امیر چوپان و سپس وفات ابوسعید می نمایاند. ملویل با محور قرار دادن چوپانیان به بررسی اتفاقات سال های بعد از مرگ ابوسعید و رقابت های نیروهای متخاصم می پردازد.

۱-۵- روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۱-۶- معرفی منابع

پایه ی این پژوهش بر منابع اصلی گذاشته شده و به تحقیقات جدید، جز در موارد لزوم رجوع نگردیده است. گردآوری مطالب بر اساس چهار منبع اصلی دوره مغول و ایلخانی بوده است. این کتب تاریخ جهانگشای عظاملک جوینی، جامع التواریخ خواجه رشید الدین فضل الله، تاریخ وصاف و کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی می باشند که بیشترین توجه نگارنده بر این کتب قرار گرفته است. علاوه بر کتاب های اشاره شده، این پژوهش از مطالعه کتاب های ذیل جامع التواریخ رشیدی اثر حافظ ابرو، تاریخ روضه الصفای میرخواند،

²Charles Melville

حبيب السیر خواندمیر و برخی دیگر از منبع اصلی بی نیاز نبوده است. پژوهشگران دوره مغول و ایلخانان در کنار منابع اصلی کتاب ارزنده تاریخ مغول اثر عباس اقبال آشتیانی را از نظر دور نمی دارند. همینطور آثار شیرین بیانی مانند دین دولت در ایران عهد مغول و تاریخ آل جلایر، البته کتاب دوم شامل اطلاعات باارزشی درباره دوره مورد بحث این پژوهش می باشد. علاوه بر آن، چند مقاله و پایان نامه فارسی و انگلیسی مورد استفاده واقع شده است. در ادامه به معرفی اجمالی چند منبع اصلی مورد استفاده در این پژوهش پرداخته خواهد شد.

۱-۶-۱- تاریخ جهانگشای جوینی

در تاریخ نویسی دوره مغول و دوره ایلخانی تا اواسط حکومت ابوسعید، سه کتاب ارزنده، مهمترین منابع این دوره هستند؛ تاریخ جهانگشای جوینی، جامع التواریخ اثر خواجه رشیدالدین فضل الله و کتاب تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار معروف به تاریخ و صاف اثر شهاب الدین شیرازی مشهور به و صاف الحضرة .

کتاب معروف تاریخ جهانگشا، اثر علاء الدین عطاملک جوینی است. علاء الدین از خانواده ای دیوانی بود، در دوران جوانی به خدمت امیر ارغون در آمده و در معیت او چند بار به قراقروم سفر نمود و اردوی خان بزرگ و اتفاقات دربار قراقروم را از نزدیک مشاهده نمود. این اطلاعات در نگارش اثرش، تاریخ جهانگشا، تأثیری شگرف داشته است. عطا ملک در سال ۶۵۴ هـ ق (۱۲۵۶م) توسط امیر ارغون به هولاکو خان معرفی شد و نزد او تقرب یافت. پس از درگذشت هولاکو، به اتفاق برادرش شمس الدین صاحب دیوان، سبب رونق دولت آبا قآن گردید. عطاملک نگارش کتاب تاریخ جهانگشا را در سال ۶۵۵ هـ ق (۱۲۵۷م) به انجام رسانید؛ این کتاب به سه مجلد تقسیم می شود:

جلد اول شامل آغاز کار چنگیز خان و یاسای چنگیزی و تاریخ قوم اویغور و فتوحات چنگیز در ماوراءالنهر و خراسان و انقراض سلسله خوارزمشاهیان و سلطنت اکتای قآن و گیوک می پردازد.

جلد دوم در تاریخ سلاطین خوارزم شاهیان و قراختانیان و حکام مغولی ایران است که در شرح تاریخ خوارزم شاهیان، از تألیف ابن فندق به نام «مشارب التجارب و غوارب الغرایب» استفاده نموده است.

جلد سوم شامل تاریخ منگو قآن و لشکرکشی هولاکو خان به ایران و شرح تاریخ فرقه اسماعیلیه تا سال ۶۵۵ (۱۲۵۷م) هجری می باشد.

تاریخ جهانگشا دارای انشایی روان و ساده، و از نظر اشتغال بر وقایع، کم نظیر است. قسمت زیادی از مطالب تاریخی این کتاب، در کمتر منبعی وجود دارد؛ مانند تاریخ قوم اویغور و قراختائیان و خوارزم شاهیان و فتوحات چنگیز که بدون استثناء تمام نویسندگان بعدی، در آثار خود، از تاریخ جهانگشا استفاده کرده اند. (بیات، ۱۳۸۳: ۱۵۰-۱۴۹؛ جویی، ۱۹۱۱: د- فح)

در پژوهش حاضر، کتاب تاریخ جهانگشا در فصل مربوط به دوره خانان بزرگ منبع اصلی مورد رجوع بوده است.

۱-۶-۲- جامع التواریخ

خواجه رشیدالدین فضل الله بن عمادالدوله همدانی (۷۱۸-۶۴۵ هـ. ق) (۱۳۱۸-۱۲۴۷م) در همدان به دنیا آمد. وی پسر عمادالدوله ابی الخیر نواده موفق الدوله همدانی است. جدش موفق الدوله به اتفاق خواجه نصیرالدین طوسی در قلاع ملاحظه قهستان به سر می برد و پس از سقوط قلاع مذکور، اونیز به خدمت مغولان پیوست.

خواجه رشیدالدین، ایام جوانی را در همدان به تحصیل علوم مختلفه بویژه طب گذراند. مخالفانش وی را یکی از یهودیان آن شهر دانسته اند. رشیدالدین به عنوان طبیب داخل دستگاه آباخان، ایلخان مغول گردید. ارغون خان و گیخاتو خان در دوران سلطنت خود، رشیدالدین را مورد لطف قرار دادند. غازان خان، بعد از کشتن صدرجهان زنجانی وی را به اتفاق خواجه سعدالدین محمد آوجی، در امر وزارت شرکت داد. اولجایتو بعد از قتل سعدالدین، با وجود اعتماد زیادی که نسبت به رشیدالدین داشت، مع ذلک وی را در امر وزارت با خواجه تاج الدین علیشاه گیلانی شریک کرد.

رشیدالدین بر اثر حمایت چند تن از ایلخانانی که از آنها نام بردیم، املاک زیادی به دست آورد و در ردیف مالکین بزرگ قرار گرفت. وی در زمان سلطنت ابوسعیدخان بر اثر تحریکات درباریان، ناگزیر از خدمت کناره گرفت. دیری نپائید که وی را متهم به مسموم نمودن الجایتو پدر ابوسعید کردند؛ در نتیجه این اتهام در سال ۷۱۸ هـ. ق (۱۳۱۸م) محکوم به اعدام گردید. بخشی از اموالش ضبط و بخش دیگر غارت شد. لازم به ذکر است که کتابخانه بزرگ او در تبریز که حاوی شصت هزار مجلد کتاب بود نیز نابود گردید.

خواجه رشیدالدین یکی از مشاهیر و دانشمندان عصر خویش بود. غازان خان که علاقه زیادی نسبت به رویدادهای تاریخی داشت، رشیدالدین را مأمور کرد که تاریخی از مغول را ترتیب دهد. رشیدالدین این ماموریت را قبول کرد و پس از مطالعه اسناد مغولی و مذاکره با مطلعین تاتار، اساس کتاب خود را که به نام تاریخ غازانی مشهور گردید، بنا نهاد؛ لیکن قبل از پایان کتاب، غازان خان درگذشت و برادرش الجایتو، رشیدالدین را به ادامه کار تشویق نمود، به این معنی که تنظیم و تدوین تاریخ همه اقوامی را که با مغولان روابطی داشته اند، به رشته تحریر در آورد.

رشیدالدین، از مساعدت دانشمندان اقوام مختلف مقیم دربار ایران، از جمله دو ایرانی، دو نفر چینی و مرد هندویی از اهالی کشمیر و ظاهراً از یک کشیش کاتولیک فرانسوی و چندین تن از مغولان که از داستان های قدیم و افسانه های باستانی قبایل مغول اطلاع داشتند، کمک گرفت. جامع التواریخ در واقع یک دایرة المعارف تاریخی است. جلد سوم کتاب یا هرگز نوشته نشد و یا از میان رفته است. مجلد اول آن به مغولان و ترکان اختصاص دارد که فصل دوم آن شامل تاریخ چنگیز خان و اسلاف و اخلاف او تا زمان غازان خان، و مجلد دوم یک تاریخ عمومی است. (بیات، ۱۳۸۳: ۱۶۵-۱۶۳)

فصل دوم از مجلد اول این کتاب، در قسمت های مربوط به خانان بزرگ و ایلخانان تا غازان خان مورد استفاده قرار گرفت و به خاطر اشتمال بر وقایع جانشینی دوره مغول و ایلخانی در پژوهش حاضر از منابع بسیار مهم محسوب می شود.

۱-۶-۳- تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار (تاریخ و صاف)

نویسنده کتاب شهاب الدین یا شرف الدین عبدالله بن عزالدین فضل الله شیرازی ملقب به و صاف الحضرة در سال ۶۶۳ هـ. ق در شیراز به دنیا آمد. در همان جا به تحصیل علم و ادب پرداخت و به مشاغل دیوانی نیز اشتغال داشت. به تدریج از نزدیکان خواجه صدرالدین احمد خالدی زنجانی نایب امیر طغاجار- حاکم فارس- گردید. پدر و صاف در سال ۶۹۸ هـ. ق به علت بروز قحطی در فارس درگذشت. در این زمان و صاف که از ماموران مالیاتی فارس بود، به خاندان خواجه رشیدالدین فضل الله، بستگی زیادی پیدا کرد و به وسیله خواجه رشیدالدین فضل الله، به دربار غازان خان و الجایتو راه یافت. وی از سال ۶۹۹ هـ. ق به تألیف اثر معروف خود یعنی تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار که به تاریخ و صاف شهرت یافته است، پرداخت. در سال ۷۰۲ هـ. ق زمانی که غازان خان عازم شام بود، در یکی از منازل کنار

فرات، قسمتی از تالیف خود را به عرض ایلخان رساند. نه سال بعد یعنی در سال ۷۱۲ ه. ق در سلطانیه، قسمت دیگری از مطالب کتاب خود را به نظر اولجایتو رسانید و مورد محبت ایلخان قرار گرفت. این تاریخ به صورت ذیل تاریخ جهانگشای جوینی تنظیم گردیده، که مشتمل بر شرح وقایع تاریخی از سالهای ۷۲۸-۶۵۶ ه. ق می باشد.

وصاف در نوشتن این کتاب، از آثار جوینی و خواجه رشیدالدین فضل الله و اسناد و مدارک رسمی دیگر از جمله اسناد و مدارک دیوانی و از گفته های گواهانی که شاهدان عینی رویدادهای تاریخی، استفاده کرده است. (بیات، ۱۳۸۳: ۲۲۵-۲۲۳) محمد تقی بهار در این باره می گوید: «من بعد از خواجه ابوالفضل بیهقی ... این مردفاضل (وصاف) را دیدم که تا این درجه جانب حق و عدل را رعایت کرده است.» (آیتی، ۱۳۴۶: یج)

شیوه نگارش کتاب بسیار متکلف و متصنع است چنانکه خود وصاف هم در کتابش اعتراف می کند قصدش اظهار بلاغت و قدرت نمایی در سجع گوئی و لغت پردازی بوده نه بیان اخبار و احوال. بهر در این باره می گوید: «خواندن آن کتاب اهل فضل و ادب را که عاشق این قبیل نوشته ها باشند نیز گاهی خسته و ملول کند و مطالعه چند صفحه از آن خاصه که قصد خواننده استفاده تاریخی باشد به سئامت انجامد.» (آیتی، ۱۳۴۶: یج)

در این پژوهش از تحریر تاریخ وصاف که توسط عبدالحمید آیتی صورت گرفته استفاده شده است. این منبع شامل وقایع تاریخ ایلخانی تا اواسط حکومت ابوسعید می باشد که خوشبختانه بسیاری از مطالب آن در جامع التواریخ نیست و خوشبختانه مؤلفین دو اثر از منابع همسانی استفاده نکرده اند.

۱-۶-۴- مطلع السعدین و مجمع البحرين

نویسنده کتاب کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی است. او متولد سال ۸۱۶ ه. ق در هرات می باشد. پس از فوت پدر ارتأ به سمت قاضی عسکر منصوب گردید. در زمان حکومت شاهرخ به عنوان سفیر عازم هندوستان شد و در دوره حکومت سلطان حسین بایقرا به منصب شیخی خانقاه میرزا شاهرخ، منصوب گردید و تا سال ۸۷۷ ه. ق که درگذشت در این منصب باقی بود. (بیات، ۱۳۸۳: ۲۰۴)

کتاب مطلع سعدین و مجمع بحریں در دو جلد فراهم آمده است. جلد نخست شامل وقایع ایران از سال ۷۰۴ تا سال ۸۰۷ ه. ق یعنی حوادث دوره ای بیش از صد سال است که از تولد سلطان ابوسعید بهادر خان شروع و با مرگ تیمور